

واکاوی موضوع‌شناسی و مستندات حکم‌شناسی جراحی زیبایی

سیدابوالقاسم تقی‌بی^۱

میثم کلهرنیا گلکار^۲

سیدمحمدعلی صدر طباطبایی^۳

چکیده

یکی از ابعاد معنوی انسان گرایش به جمال و زیبایی است. از این رو بخش مهمی از زندگی انسان را جمال و زیبایی تشکیل می‌دهد. جاذبه معنوی زیبایی علاوه بر این که او را به گزینش مسکن، مرکب و لباس زیبا وامی‌دارد وی را به زیباسازی جسم و چهره‌اش فرامی‌خواند جراحی زیبایی در رهیافت چنین جاذبه نیرومندی پدیدار شده است تا بدن را حفظ و ارتقا ببخشد و ساختار اعضای بدن را متوازن تر و زیباتر نماید.

فقیهان عمل جراحی ترمیمی را مشروع و مجاز دانسته‌اند، ولی آنان در زمینه عمل جراحی زیبایی محض اتفاق نظر ندارند برخی آن را حرام اعلام داشته‌اند و مبانی‌ای همچون تغییر در خلقت الهی، روایات متضمن قبیح‌بودن برخی تصرفات در بدن، دورشدن از رسالت انسانی، موجب فریب و تدلیس‌بودن، احتمال خطر و ضرر، عدم مالکیت انسانی نسبت به اعضای بدنش، ارتکاب محظورات را ادله حرمت جراحی زیبایی به شمار آورده‌اند و در مقابل بسیاری از فقیهان قائل به مشروعیت جراحی زیبایی شده‌اند.

آنان برای اثبات نظریه خویش به اطلاق آیات، روایات متضمن حسن زینت و تجمل، اصل اباحه، عرف، دلیل روانشناختی و جامعه‌شناسی استناد جسته‌اند و معتقد می‌باشند

۱. دانشیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

Email: naghibi_sa@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، تهران، ایران.

۳. دانشجوی دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی مدرسه عالی شهید مطهری (ره)، تهران، ایران.
(نویسنده مسؤول)

نوع مقاله: مروری تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۲/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۲/۹

جراحی زیبایی چنانکه توام با خطر شدید و عوارض جدی نباشد و به نیت آراستگی معقول ظاهری، محقق بشود و به بهبود کیفیت زندگی فرد بیانجامد با ممنوعیت شرعی روبرو نمی‌باشد.

واژگان کلیدی

جراحی زیبایی، جراحی ترمیمی، جراحی زیبایی محض، نظریه مشروعیت، نظریه

حرمت

مقدمه

زیبایی خصوصیتی است که احساس خوشایندی را در ذهن به وجود می‌آورد و یکی از مهم‌ترین ارزش‌های اجتماعی و موهبتی از جانب خداوند بوده که مظهر خارجی انسان را نشان می‌دهد. در تمدن بشری زیبایی جزء مفاهیم مثبت بوده و انسان با انگیزه کمال‌گرایی که دارد همیشه در جستجوی کسب زیبایی‌ها بوده و بسته به موقعیت جغرافیایی و ارزش‌ها و هنجارها جامعه، ابزارها و راهکارهای مختلفی را برای دستیابی به زیبایی مورد استفاده قرار می‌دهد. در روزگار کنونی پیشرفت علم پزشکی و ابزارها و تجهیزات مربوط به آن، انسان را در رسیدن به این هدف یاری نموده و اثری ارزشمند در زمینه دادن حس خوشبختی به انسان و بازگرداندن بدن انسان به وضعیت طبیعی‌اش داشته است.

جراحی زیبایی حاصل پیشرفت دانش پزشکی و پاسخی به ارتقای سطح زندگی و شکل‌گیری مطالبات جدید انسان معاصر به واسطه بازتاب روانی آن در قالب‌های شکل‌گرفته اجتماع کنونی است. به طوری که در اکثر موارد جنبه ضرورت و درمان آن فراموش شده و بیشتر در جهت زیبا‌افزایی و عدم ضرورت گام برمی‌دارد. در اکثر جوامع به ویژه جامعه ایران، جراحی زیبایی به جای این‌که به عنوان یکی از رشته‌های علم پزشکی در نظر گرفته شود و از قداست والایی برخوردار شود، به یک صنعت تبدیل شده است، در غالب موارد هم این نوع جراحی‌ها به خاطر زیبایی صرف، مد و چشم و هم‌چشمی است. تبلیغات نیز در زمینه جراحی‌های زیبایی آنچنان گسترش یافته که به هر رسانه گروهی اعم از تلویزیون، مجلات، اینترنت و... مراجعه شود، اثری از آن دیده می‌شود و باعث افزایش جراحی‌های زیبایی غیر ضروری و همچنین رقابت بین پزشکان برای جلب مشتری و ورود پزشکان با تخصص‌های غیر مرتبط در این رشته شده است. وجود این مسائل در

حیطه علم پزشکی که با علم اخلاق گره خورده، نگرانی‌هایی را در میان علمای این رشته و سایر رشته‌ها به وجود آورده است. در این نوشتار ضمن واکاوی مفهوم و ماهیت جراحی زیبایی و اقسام آن، در رویکردی موضوع‌شناختی، نظریات فقیهان در زمینه حکم شرعی تکلیفی آن ارایه خواهد شد.

الف - بررسی موضوع شناختی جراحی زیبایی

ضرورت ایجاب می‌کند جراحی زیبایی به لحاظ موضوع‌شناختی مورد بررسی قرار گیرد، چراکه تبیین فقهی موضوعات نیازمند شناخت آن موضوعات در عرصه‌های تخصصی مورد نظر است و بدون درک صحیح از یک موضوع نمی‌توان حکم فقهی متناسب با آن را از منابع استنباط کرد. بر این اساس در این مبحث به بررسی موضوعی جراحی‌های زیبایی و ترمیمی خواهیم پرداخت تا قضاوت مناسب‌تری در مورد حکم فقهی آن ارائه نمائیم.

۱- مفهوم و ماهیت جراحی زیبایی

جراحی‌های زیبایی و ترمیمی خود از اقسام جراحی پلاستیک می‌باشند، لذا واژه مطلق جراحی پلاستیک^۱ جامع بین انواع جراحی‌های زیبایی و ترمیمی است و از آنجا که از لحاظ پزشکی این واژه بیشتر مورد توجه است و در تعریف و تقسیم مورد کاربرد قرار می‌گیرد ما نیز با توضیح این اصطلاح، بحث را پی می‌گیریم:

این واژه از واژه لاتین «Platicus» به معنای شکل‌دادن و قالب‌زدن مشتق شده است و در واقع جراحان پلاستیک صورت یا بدن فرد را شکل داده و به آن قالب می‌دهند تا به شکلی خوشایندتر درآیند. شکل دیگر این واژه پسوند «پلاستی^۲» است که در نام بسیاری از شیوه‌های رایج جراحی پلاستیک به کار می‌رود. به عنوان مثال اصطلاح «رینوپلاستی» که «رینو» به معنای بینی و «پلاستی» به

معنای شکل‌دادن است و روی هم معنای شکل‌دهی به بینی را می‌دهد. (اولسن، ۱۳۸۸ ش.، ص ۸)

در اصطلاح، جراحی پلاستیک نوعی از اعمال جراحی است که مرتبط با ترمیم قسمت‌های ضایعه‌دیده بدن، تصحیح، تغییر شکل و تأمین وظیفه عضو آسیب دیده می‌باشد. (احدوت، ۱۳۵۵ ش.)

به طور خلاصه باید گفت جراحی زیبایی عنوانی است که به هر نوع عمل جراحی که برای زیباترکردن اعضا یا چهره انسان انجام شود، اطلاق می‌گردد، البته گاهی این جراحی‌ها به دنبال نقایص و ناهنجاری‌های شکلی (اعم از مادرزادی یا عوارض ناشی از بیماری‌ها و حوادث) صورت می‌گیرند که در این مورد از آن‌ها با عنوان جراحی ترمیمی یاد می‌شود و اغلب دارای ضرورت عرفی می‌باشند، مانند مبادرت به جراحی ترمیمی مرتبط با توده‌های پوستی، انحراف بینی، آثار برجای‌مانده از سوختگی‌ها، زخم‌ها و شکستگی‌ها و... . برای جراحی‌های زیبایی ویژگی‌های ذکر شده است که عبارتند از:

۱-۱- **انتخابی بودن:** از جراحی‌های زیبایی و ترمیمی تحت عنوان رویه‌ها یا شیوه‌های انتخابی نام برده شده است که شامل روش‌های جراحی و غیر جراحی برای زیباسازی جسم انسان می‌باشند، لذا اگر کسی عمل زیبایی بر روی بینی (طبیعی یا غیر طبیعی) خود انجام ندهد، هیچ مخاطره جسمی قریب‌الوقوع یا محتمل‌الوقوعی برای وی در بر نخواهد داشت. بنابراین توجه به اصل استقلال بیمار در اینجا با غلظت بیشتری مورد تأکید قرار گرفته است.

۱-۲- **اهداف غیر درمانی:** یکی از منازعاتی که پیرامون جراحی پلاستیک مطرح گردیده در مورد ماهیت آن است و این‌که آیا این جراحی یک عمل درمانی محسوب می‌شود یا یک عمل ارتقایی؟ (اسکات، ۲۰۱۰ م.، ص ۳۵۹) قدر متیقن ما

این است که جراحی‌های زیبایی نمی‌توانند یک جراحی درمانی به معنای واقعی کلمه باشند. بازتاب این مسأله را می‌توان در خواسته‌های متقاضیان جراحی‌های زیبایی دید. آنان به دنبال حل یک معضل (بیماری) نیستند، بلکه در جستجوی ایجاد و خلق حالتی جدید به دستان جراح خود می‌باشند. همین جاست که این نوع از جراحی‌ها با جراحی‌های دیگر تفاوت پیدا می‌کند. هدف متقاضی جراحی پلاستیک، نجات از یک بیماری خاص نیست، بلکه او صرفاً می‌خواهد به خاص دست یابد.

۳-۱- تلفیق علم و هنر: کار یک جراح پلاستیک دیگر صرفاً یک کار علمی نیست، بلکه در اینجا عامل هنر نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. غایت امر، زیبایی است و زیبایی هم با هنر آمیخته است. برای نمونه گفته شده «جراح زیبایی بینی قبل از هر چیز یک پزشک است و فاکتورهای پزشکی و روانی که باعث شده یک فرد سالم با میل خودش برای انجام یک جراحی مراجعه کند را به خوبی درک می‌کند. ضمناً او مثل «میکل آنژ» یک مجسمه تراش است. میکل آنژ تکه سنگی را در اختیار داشت و با چشم بصیرت اثر خود را در لابلای آن می‌دید. وی با تراشیدن قسمت‌های زائد سنگ، اثر خود را در معرض دید دیگران قرار می‌داد. جراح زیبایی بینی نیز با در نظر گرفتن شکل مناسب بینی برای هر صورت خاص، با برداشتن قسمت‌های اضافی و حالت‌دادن به قسمت‌های باقی‌مانده سعی می‌کند اثر هنری خود را در معرض دید قرار دهد...» (عامری، ۱۳۸۹، ش، ص ۸۲)

۴-۱- ارتباط با روانشناسی و جامعه‌شناسی: عمده دلیلی که انجام جراحی زیبایی و ترمیمی را توجیه می‌نماید نقش آن در سلامت روان، عزت نفس و بهبود کارکردهای روانی و وجود بازتاب‌های اجتماعی، چون کامیابی در انتخاب همسر، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، پیروزی در انتخابات، گزینش یا ارتقای شغلی

و... است، اما هنوز این مسأله به طور متقن ثابت نشده است، لذا تحقیقاتی که صورت پذیرفته نتایج قطعی را ارائه نمی‌دهد. (سلیمانی، ۱۳۸۰ ش.)

اعمال جراحی زیبایی با حفظ رسالت اصلاح نواقص شکلی و درمان بیماری‌ها، تحت تأثیر ضرورت‌های منسوج بر پیله نظم نوین اجتماع کنونی قرار گرفته و با بهانه بازتاب روحی و روانی و اقتضائات اجتماعی، کم‌کم از قلمرو علم پزشکی به معنای کلاسیک خود فاصله می‌گیرد و میزبان افرادی می‌شود که به رغم طبیعی بودن شکل اعضای خود، به دست‌آوردن زیبایی را به بهای مخاطرات و هزینه‌های ناشی از این اعمال پذیرا می‌شوند. این اعمال زیبایی که غالباً در مورد بینی، کمر، سینه و... اعمال می‌شد کم‌کم توسعه یافته و به مواردی چون کاشت نگین‌ها و قراردادن عنبیه‌های مصنوعی، گربه‌ای کردن حالت چشم‌ها، جک‌گذاشتن در پشت حدقه چشم برای برجسته‌شدن آن! و... تسری می‌یابد.

۲- اقسام جراحی زیبایی

طبق تعریف انجمن پزشکی ایالات متحده امریکا، تخصص جراحی پلاستیک شامل دو گروه از روش‌هاست:

۱-۲- جراحی ترمیمی^۳: که این‌گونه تبیین شده است: «جراحی ترمیمی، در مورد ویژگی‌های غیر طبیعی بدن انسان (که معمولاً نتیجه نقایص مادرزادی، ناهنجاری تکاملی، عفونت، تومورها یا بیماری‌هاست) به کار می‌رود؛ به طور کلی، جراحی ترمیمی برای بهبود عملکرد انجام می‌شود، اما برای ایجاد ظاهری طبیعی‌تر نیز کاربرد دارد.» (اولسن، ۱۳۸۸ ش، ص ۸) این قسم از جراحی را برخی جراحی زیبایی ضروری (جراحة التجميل الحاجية) نامیده‌اند و آن را مخصوص عیوب خلقیه (عیوب مادرزادی و عیوب ناشی از بیماری‌های داخلی) و عیوب مکتسبه

(عیوب ناشی از اسباب خارجی مثل تصادف و حریق) دانسته‌اند (محامی، ۲۰۱۱ م، ص ۱۹۴)

بنابراین اگر برای اصلاح و ترمیم شکل، کارکرد یا عملکرد یک عضو باشد جراحی ترمیمی محسوب می‌گردد که خود می‌تواند به دو بخش جراحی ترمیمی حیاتی و جراحی ترمیمی انتخابی تقسیم شود.

جراحی ترمیمی حیاتی: در مواردی است که هدف از انجام جراحی اصلاح عملکرد یک عضو و دفع خطرات ناشی از وضعیت فعلی است، مثل جراحی انحراف بینی که توأم با اختلال تنفسی باشد یا جراحی تومورها و عفونت‌های خارجی که بقای آن‌ها می‌تواند سلامت فرد را به مخاطره اندازد. از این منظر جراحی ترمیمی حیاتی، به مانند سایر اعمال ضروری در حیطه پزشکی بوده و به معنای کامل درمانی به حساب می‌آید. (طالبی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶۱)

اما جراحی ترمیمی انتخابی: صرفاً جهت اصلاح شکل عضو مورد نظر و رفع نقایص مادرزادی یا نقایصی که ناشی از حوادث و بیماری‌ها است، انجام می‌پذیرد و فرد داوطلب این نوع جراحی در معرض عواقب بعدی و خطر از دست‌دادن جان یا عضو خود قرار ندارد، بلکه صرفاً به دلیل از دست‌دادن شکل طبیعی عضو مربوطه و نازیبایی حاصل از آن به چنین عملی مبادرت می‌ورزد. نام دیگری که می‌توان بر این نوع جراحی گذاشت، جراحی ترمیمی اصلاحی است، (کلهرنیا، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۴) مانند جراحی اصلاح اسکارهای سوختگی. در واقع این قبیل جراحی‌ها جهت مرتفع‌ساختن نقص عضو بیمار صورت می‌گیرد، نقصی که اگر به آن رسیدگی نشود هم، هیچ مشکلی برای فرد تا پایان عمر به وجود نمی‌آورد، اما اگر مورد جراحی قرار گیرد ضمن رفع نقص ظاهری، در عین حال ظاهر بیمار را هم زیباتر می‌کند. (طالبی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶۱)

۲-۲- جراحی زیبایی محض^۴: عبارت است از «انجام عمل جراحی برای تغییر شکل دادن به ساختمان‌های طبیعی بدن که ظاهر بیمار را بهبود بخشیده و به او اعتماد به نفس می‌دهد.» (اولسن، ۱۳۸۸ ش، ص ۸) همان‌طور که ملاحظه می‌شود ملاک تعریف یک جراحی به عنوان جراحی زیبایی محض، طبیعی بودن عضوی است که مورد جراحی قرار می‌گیرد، لذا در این جراحی‌ها هدف، از آن شفای بیمار از درد جسمانی یا رهایی او از نقایص اعضای بدن نیست، بلکه هدف، ارتقای آن عضو از لحاظ زیبایی‌شناسی است. بنابراین ملاک برای صدق عنوان جراحی زیبایی، سالم بودن عضو مربوطه است که این خود محل مناقشاتی شده و تعیین یک معیار که بر اساس آن بتوان گفت این عضو طبیعی است و آن عضو غیر طبیعی، را دچار مشکل کرده است! (کلهرنیا، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۴) در نتیجه معیار تقسیم‌بندی جراحی زیبایی و ترمیمی به هدف از این نوع جراحی بستگی دارد، اگر هدف صرفاً برای زیباسازی، بدون نقص و عیب ظاهری و معقول باشد، (شکرمرجی و همکاران، ۱۳۸۷ ش، ص ۲۶) ما با جراحی زیبایی روبرو هستیم.

اگرچه از لحاظ علمی در تبیین جراحی پلاستیک بین دو قسم جراحی پلاستیک زیبایی و ترمیمی قائل به تفکیک می‌شوند، (اولسن، ۱۳۸۸ ش، ص ۸) لیکن به نظر می‌رسد آنچه که به نحو مطلق در عرف مستعمل گردیده، همین عنوان جراحی زیبایی باشد و می‌توان با استمداد از این عبارت و استقرا در آرای فقها، به دو بخش جراحی زیبایی ترمیمی و جراحی زیبایی محض، جهت ترتب آثار خاص، رهنمون گردید، البته شایان ذکر است که به واسطه دشواری تفکیک بین جراحی زیبایی و ترمیمی و ارائه الگوی پذیرفته‌شده‌ای مبنی بر طبیعی یا غیر طبیعی بودن ظاهر یک فرد، برخی اساس این تقسیم‌بندی را به بوته نقد کشیده‌اند. (دانسن، بی‌تا، ص ۱۴)

ب - بررسی حکم‌شناسی جراحی زیبایی

در ارتباط با جواز یا عدم جواز شرعی انجام جراحی زیبایی در مذاهب شناخته شده، نظریاتی مطرح گردیده و عالمان و فقیهان دینی با بیان ادله و شرایطی انجام این قسم از جراحی‌ها را ممنوع، محدود و یا آزاد نموده‌اند. مسأله تجویز انجام جراحی‌های زیبایی در اسلام با نظریات علمای شیعه و سنی مورد توجه قرار گرفته و همان‌طور که خواهیم دید اکثر علمای شیعه با وجود شرایطی انجام این قسم عملیات را مجاز دانسته‌اند، ولو این‌که هیچ ضرورتی هم وجود نداشته و صرفاً برای زیبایی باشد و از طرف دیگر به نظر می‌آید که اهل سنت تنها در مورد جراحی‌های زیبایی واجد وصف ترمیمی قائل به صحت شده و با استناد به روایات متضمن قبیح‌بودن برخی تصرفات در بدن و رد ادعای نیاز روحی و روانی و نسبت دادن این خواسته‌ها به اوهام و وساوس شیطانی انجام جراحی زیبایی را در زمره مصادیق تغییر در خلقت الهی و در شمول محرمات دانسته‌اند.

در نظام حقوقی ایران با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۵ باید گفت که «اگر قانون حکم خاصی برای فصل دعوا نداشته باشد، دادرس هدایت شده است که به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، رجوع کند. در نتیجه بررسی و تحلیل نظرهای فقیهان یک ضرورت است نه تفنن.» (کاتوزیان، ۱۳۸۷ ش، ص ۳) مضافاً این‌که بند ج ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی در مقام بیان اعمالی که جرم محسوب نمی‌شوند از عبارت «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع» استفاده می‌نماید که این خود بیانگر ضرورت بررسی شرعی صحت انجام جراحی‌های زیبایی است. به هر حال با توجه برداشت‌ها و معانی مختلفی که از نصوص صورت پذیرفته است، نظرات مختلفی در میان فقها در بحث جراحی زیبایی در گرفته که در ادامه به نحو مؤجز و در قالب دو نظریه کلی مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۱- ادله نظریه حرمت جراحی زیبایی

در برخی از نظریات فقها (غالباً فقهای متقدم) که با برداشت‌های بسیار سخت‌گیرانه از متون فقهی صورت پذیرفته، هر گونه عملیات زیبایی (که قهراً جراحی را نیز دربرمی‌گیرد) تغییر در خلقت الهی یاد شده و حکم حرمت به آن تعلق گرفته است. در این قسمت به بررسی ادله مخالفین جراحی زیبایی می‌پردازیم:

۱-۱- تغییر در خلقت خدا: از جمله آیاتی که در این زمینه مورد استناد قرار

گرفته‌اند، آیه ۱۱۹ سوره نساء و آیه ۱۳۸ سوره بقره می‌باشد که اولی تغییر در خلقت خدا را منتسب به وسوسه شیطان می‌داند و دیگری رنگ‌آمیزی الهی (ایمان به خدا یا آفرینش او) را بهترین معرفی می‌کند که گویی بایستی از دخل و تصرف آدمی **لَوْ لَطَمَانَ الْبَاطِنِ قَالَا لَا تَخْرِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا؛ لَأَضِلُّنَّهُمْ وَ** **رَنَّهُمْ فَلْيَلْبَسْتِكُمْ بِهٖ وَآلَاةَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمُرُّنَّهُمْ فَلْيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خِذَ خُسْرَانًا مُّبِينًا؛** خدا شیطان را از رحمتش دور کرد و [او] گفت: سوگند می‌خورم که از میان بندگان سهمی **مُعِين** [برای پیروی از فرهنگ ویرانگرم] برخوادم گرفت؛ و یقیناً آنان را گمراه می‌کنم، و دچار آرزوهای دور و دراز [و واهی و پوچ] می‌سازم و آنان را وادار می‌کنم که گوش‌های چهارپایان را [به نشانه حرام‌بودن بهره‌گیری از آنان] بشکافند و فرمانشان می‌دهم که آفرینش خدایی را تغییر دهند [به این صورت که جنسیت مرد را به زن و زن را به مرد برگردانند و فطرت پاکشان را به شرک بیالایند و زیبایی‌های طبیعی و روحی و جسمی خود را به زشتی‌ها تبدیل کنند.] و هر کس شیطان را به جای خدا سرپرست و یار خود گیرد، مسلماً به زیان آشکاری دچار شده است.» (نساء: ۱۱۹-۱۱۸)

از طبری^۶ نقل شده که وی معتقد است «زن مجاز نمی‌باشد برای زیبایی، قسمتی از خلقت ظاهری خود را که خداوند آفریده تغییر دهد، چه با افزودن

چیزی و چه از راه کاستن آن، نه برای همسرش نه برای دیگری، مانند زنی که ابروهایش متصل باشند و موی بین آن‌ها را بردارد و با این کار خودنمایی کند و نیز عکس این حالت. و اگر زن دندان اضافه‌ای داشته باشد و آن را بکشد یا دندان بلندی که قسمتی از آن را (به وسیله تراش) کوتاه کند یا ریش و سیل و یا موی عنفقه^۷ داشته باشد و آن‌ها را بکند و یا موی کوتاهی داشته باشد و با موی دیگری آن را بلند گرداند، پس تمام موارد مذکور نهی شده، زیرا از موارد تغییر در خلقت خداست: ﴿بَغَةَ اللَّهِ وَمَأْجِسَ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ [به یهود و نصاری بگوئید: رنگ خدا را [که اسلام است، انتخاب کنید] و چه کسی رنگش نیکوتر از رنگ خداست؟ و ما فقط پرستش‌کنندگان اویم.﴾ (بقره: ۱۳۸)

به نظر می‌رسد که مخالفین که غالباً از فقهای اهل سنت هستند با تفسیری که از آیه ۱۱۹ سوره نساء و آیه ۱۳۸ سوره بقره ارائه داده‌اند، جراحی زیبایی را مشمول تغییر در خلقت خدا و دست‌بردی به رنگ آفرینش الهی معرفی نموده و بدین واسطه قائل به حرمت آن گردیده‌اند.

در نقد این استدلال باید گفت فقها و مفسرین شیعه مصداق تغییر در خلقت خدا و معنای رنگ الهی را در فطرت الهی مبتنی بر گرایش توحیدی و منع از گرویدن به شرک و کفر دانسته‌اند و در مصادیق مادی چنین اعمالی به مواردی چون تغییر جنسیت و شبیه‌سازی استناد جسته‌اند نه زیان‌مردن تن و بدن. (طباطبایی، بی‌تا، جلد اول، ص ۳۱۳ و جلد ششم، ص ۸۴)

اما در همین نظر هم موردی که در اعمال جراحی پلاستیک حرام و ممنوع نیست و استثناء شده و آن رفع درد و رنجی است که انسان قادر به تحمل آن نمی‌باشد و این استثناء قدیمی است که طبری هم آن را لحاظ نموده است (حسینی، ۲۰۰۸ م، ص ۹۲) و به نظر می‌رسد این درد و رنج مربوط به اختلال در

کارکرد عضو مربوط است، مثل کسی که به دلیل انحراف بینی دچار مشکل تنفسی شده است و ضمن عملیات جراحی پلاستیک زیبایی می‌تواند سلامت خود را اعاده نماید. در واقع می‌توان گفت از این منظر تنها زمانی می‌توان به عملیات زیبایی مبادرت نمود که علت آن رفع بیماری، درد و رنج جسمی باشد و حتی در مواردی که به واسطه نقص آشکار چهره یا اندام یک ضرورت عینی در انجام جراحی وجود دارد نیز انجام جراحی جایز نمی‌باشد. در مورد این جراحی‌ها گفته شده که آن دسته از نصوص شرعی که دلالت بر حرمت تغییر در خلقت خدا دارند در اینجا مصداق پیدا نمی‌کنند. بدین دلایل:

- از آنجایی که مبنای تغییر در اینجا ضرورت و حاجت است، لذا از نصوصی که دلالت بر تحریم دارند، مستثنی می‌گردد.

- در اینجا واقعاً قصد تغییر در خلقت الهی وجود ندارد، بلکه در اینجا مقصود از بین بردن ضرر است و زیبایی و نیکویی به تبع آن به وجود می‌آیند.

- در مورد زشتی‌ها و عیوبی که عارض گردیده‌اند، ممکن نیست که مصداق تغییر در خلقت خدا باشند، چراکه مقصود از جراحی در اینجا تغییر در خلقت الهی نیست، بلکه بازگرداندن آن به خلقت طبیعی خود می‌باشد.

- از بین بردن زشتی‌های ناشی از سوختگی‌ها و حوادث دیگر به نوعی تحت جواز اصل معالجه و مداوا صورت می‌گیرند، مثلاً هنگامی که شخصی دچار سوختگی می‌شود به او اذن در معالجه داده شده است و این اذن در مورد از بین بردن ضرر و اثر ضرر است، چراکه هیچ نصی مداوای اثر سوختگی را از مداوای خود سوختگی مستثنی ننموده است، لذا می‌توان این حکم (جواز معالجه) را در مورد آثار نیز تسری داد. (محامی، ۲۰۱۱ م، ص ۲۰۳)

به نظر می‌آید علت اصلی تجویز جراحی‌های زیبایی ترمیمی و ضروری شمردن آن‌ها در نزد آن دسته از علمای اهل سنت که ما بر نظرشان آگاهی یافته‌ایم وجود ضرورت عینی است، یعنی حالت مشهود غیر طبیعی یا نابهنجار در ظاهر فرد که او را مجاز به انجام عمل جراحی می‌دارد. در واقع این ضرورت عینی اگرچه به اندازه ضرورت حیاتی در قدرت اباحه‌سازی دارای اثر نمی‌باشد، لیکن می‌تواند مرادف با عسر و حرج بوده و حکم به جواز عملیات زیبایی تحت آن صادر گردد، البته از این نکته هم نباید غافل شد که نوع استناد فقها به آیات تا حد زیادی ناشی از روایات پذیرفته‌شده در نزد ایشان می‌باشد که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲-۱- روایات^۸: اگرچه اکثر روایات به طور مستقیم مرتبط با جراحی‌های پلاستیک نیستند و بیشتر ناظر بر روش‌های غیر جراحی می‌باشند، لیکن در همین نصوص نیز روشن‌نمودن این سؤال که آیا زیان‌مردن تن و بدن فی‌نفسه امری مباح است یا خیر و این‌که چه شرایطی بر جواز آن مترتب گردیده و تا چه حد می‌توان در این راستا به بدن صدمه وارد کرد، مبنای فقها در اصدار فتوا قرار گرفته‌اند. روایاتی که اهل سنت و شیعیان نقل کرده‌اند تعارض‌هایی با یکدیگر دارند تا آنجا که به طور کلی مبنای فتوای فقهای شیعه و سنی از یکدیگر فاصله گرفته است. از این رهگذر روایاتی که اهل سنت و شیعیان نقل شده است را به صورت مجزا بررسی می‌کنیم، فلذا در این قسمت روایاتی که از اهل سنت نقل گردیده مطرح می‌شود. از عایشه نقل شده که زنی از انصار ازدواج کرد و مریض شد طوری که موهایش ریخت، پس خواستند موی دیگری را به او گره زنند، از پیامبر (ص) سؤال گردید ایشان فرمودند: «خداوند واصله و مستوصله را لعنت کرده است.» (بخاری، ۱۳۱۱ ق،

از ابن عمر نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود: «خداوند زنی را که موی گره می‌زند (یا وصل می‌کند) یا آنکه خواستار چنین عملی می‌شود و نیز زنی که خالکوبی می‌کند یا آنکه می‌خواهد برای او خالکوبی کند را لعنت کرده است.» (بخاری، ۱۳۱۱ ق، ص ۱۶۵)

از ابن عمر نقل شده که رسول خدا از «قزع» نهی فرموده‌اند، سؤال شد: قزع چیست؟ گفت: «آن است که قسمتی از موهای سر جوان تراشیده شود و قسمتی دیگر رها گردد.» (قشیری، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۰۱۸) از عمرو بن شعیب از پدرش و از جدش نقل شده، گفت: «رسول خدا (ص) فرمود موهای پیری را از بین نبرید، هیچ مسلمانی در پناه آیین اسلام پیر نمی‌شود، مگر آنکه روز قیامت از او نوری بدرخشد.» (سجستانی، بی‌تا، ص ۴۵۸)

از عبدا... بن مسعود نقل شده که گفت: «خدا لعنت کند زنانی را که خال در بدن دیگران می‌کوبند یا درخواست می‌کنند خال در بدنشان کوبیده شود و همچنین زنانی را که موهای ابروی خود را برمی‌دارند و آن را باریک می‌سازند و زنانی را که به خاطر زیبایی و جوان‌نشان‌دادن خود، دندان‌های جلویی را (به وسیله تراش) از هم جدا می‌کنند، زنانی که خلقت و فطرت الهی را تغییر می‌دهند.»

وی در مقام احتجاج با زنی از قبیله بنی اسد، این گفته خود را به واسطه لعن رسول خدا بر چنین کسانی و تبعیت از آیه «وَمَا تَأْكُلُ أَرْسُ وَاْفُخْدُ وَاْمَوْ مَتَلْهُ اَكْمُ عَنْهُ فَانْتَهُ وَا» (حشر: ۷) می‌داند. (بخاری، ۱۳۱۱ ق، صص ۱۶۵-۱۶۴؛ قشیری، ۱۴۲۷ ق، ص ۱۰۱۹)

از این روایات استنباط می‌شود که جراحی زیبایی اختیاری جایز نمی‌باشد، کما این‌که خالکوبی و باریک و ظریف‌کردن دندان و کندن موی (ابرو) برای زنان جایز نیست^۹ (یعنی به واسطه تنقیح مناط می‌توان اقسام جدید جراحی زیبایی محض

را نیز تحریم نمود)، البته اکثر روایات اختصاص به روش‌های غیر جراحی دارد که پایدار نبوده و از بین می‌رود در حالی که در جراحی زیبایی تغییر دائمی می‌باشد.

۳-۱- **دورشدن از رسالت انسانی:** گشودن باب این اعمال برای انسان‌ها منجر به غوطه‌ورشدن آن‌ها به امور شهوانی و دورشدن از رسالت انسانی خودشان می‌گردد و آن‌ها را در رسیدن به موفقیت و مقام خلیفه الهی بر زمین ناکام می‌گرداند... (حسینی، ۲۰۰۸، ص ۹۲) بعضی از کلینیک‌ها که به جراحی زیبایی اشتغال دارند با تبلیغات به تحریک و تهییج اشخاص برای اقدام به جراحی زیبایی می‌پردازند که در اکثر موارد ضروری نیست و برخلاف اصول فنی و شئون پزشکی و عفت عمومی است و جامعه را به سمت ناهنجاری و مادی‌گرایی سوق می‌دهد.

خداوند می‌فرماید: *الَّذِينَ اتَّخَذُوا ذُرِّيَّتَهُمْ لَهُمْ وَ لَعِبًا وَرَثَةً لَّهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ مَن نَّسَاهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ رَبِّهِمْ هَٰؤُلَاءِ كَسَانِي* که لهو و لعب را دین و برنامه زندگی خود قرار دادند و فریفته زندگی دنیایی شدند، همان‌گونه که آن‌ها در این دنیا سرگرم دنیاگری شدند و با فراموشی قیامت، دین خدا را ترک کردند ما هم در قیامت آن‌ها را ترک کرده و از رحمت ویژه خود محرومشان می‌کنیم. (اعراف: ۵۱)

علاج این اوهام و وسوس به کاشتن نهال ایمان در قلب‌ها و رضایت از آنچه خداوند از زیبایی به انسان داده است، می‌باشد و این‌که آنچه آدمی را به هدف والا و کرامت انسانی رهنمون می‌شود شکل ظاهر او نیست، بلکه ایمان به خدا و متشرع‌بودن فرد و تخلق او به اخلاق و آداب نیکوست که آدمی را به هدف و غایت خویش رهنمون می‌گردد. (شنقیطی، ۱۴۱۵، ق، صص ۱۹۶-۱۹۳)

در نقد این استدلال می‌توان گفت حس زیبایی خواهی در انسان یک حس پایه‌ای و اساسی است و اسلام اصولاً نه تنها برای ایجاد بستر لازم در زندگی به حس زیبایی خواهی انسان نیازمند است که حتی، متعالی‌ترین ارزش‌های الهی،

یعنی تقرب به خداوند صرفاً و یا عمدتاً از طریق فعال شدن این حس در برابر خداوند شکل می‌گیرد. به این دلیل که در این حس زیبایی خواهی انسان می‌تواند مظهر همه زیبایی‌ها را باز یابد که همان خداوند است و این هنگامی است که این حس زیبایی خواهی سرکوب نشود.

۴-۱- موجبات فریب و تدلیس: مواردی وجود دارد که افراد، با نیت سوء و

برای تدلیس و فریب و یا انجام جرم و اختفای هویت اصلی خویش به این جراحی‌ها دست می‌زنند. (حسینی، ۲۰۰۸ م، صص ۴۴-۴۲)

همچنین برخی از صور جراحی زیبایی در بردارنده مواردی است که شامل غش و تدلیس می‌گردد که شرعاً حرام است. همچون اعمالی که برای جوان‌سازی پوست و بدن صورت می‌پذیرد و ممکن است موجبات فریب مردان یا زنان را در ازدواج فراهم آورد. این استدلال نمی‌تواند موجه باشد، به دلیل این‌که نیت از انجام جراحی ممکن است نیل به نعمت آراستگی معقول ظاهری باشد نه بروز و ارتکاب آفت‌های اخلاقی، رفتاری و اجتماعی همچون خود عرضگی و تحریک اغیار، تدلیس و فریب، تسهیل جرم و اختفاء هویت...، لذا نمی‌توان هر عمل جراحی را به توهم این‌که ممکن است موجب غش و تدلیس شود، حرام به شمار آورد، به تعبیر دیگر دلیل مذکور اعم از مدعاست.

بدیهی است هرگاه از شخصی عملی صادر شود که به واسطه آن دیگری فریب خورده و ضرر و زیانی متوجه او گردد، فریب‌دهنده (غار) موظف است از عهده خسارت فریب‌خورده (مغرور) برآید (محقق داماد، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۱۵) و عمل جراحی زیبایی که به قصد فریب و تدلیس انجام پذیرد و موجب فریب دیگری شود از حکم کلی جبران خسارت مستثنی نمی‌باشد.

۵-۱- احتمال خطر و ضرر: جراحی زیبایی از زیان و عوارضی که از آن ناشی می‌شود، خالی نیست، مثلاً در عمل بزرگ کردن سینه‌ها با تزریق موادی چون سلیکون یا هورمون‌های جنسی و... احتمال بروز خطرات زیادی وجود دارد در حالی که درصد موفقیت نیز چندان چشمگیر نیست. (شنقیطی، ۱۴۱۵ ق، صص ۱۹۶-۱۹۳)

برای مثال در ایران مهم‌ترین پرونده‌های جرایم پزشکی مربوط به جراحی‌های زیبایی و ترمیمی اعلام گردیده^۹ و در فرانسه نیز بر اساس مطالعات گروه بیمه‌های متقابل پزشکی، جراحی زیبایی با بیشترین آمار مربوط به طرح دعوی ضرر و زیان، شغلی پرخطر ذکر شده است. (پیکوشی، ۲۰۰۲ م، صص ۶-۷)

از نظر فقها، نباید عمل جراحی دارای خطر یا عوارض جدی باشد و در این صورت ارتکاب آن تحریم شده است. به نظر آیت‌ا... سیستانی، اگر احتمال مرگ یا نقص عضو باشد و احتمال به قدری قوی باشد که عقلاً موجب خوف باشد، جراحی مذکور به هیچ‌وجه جایز نیست، اما اگر چنین ضرری نداشته باشد، جایز است حتی اگر ضروری نباشد.

آیت‌ا... موسوی اردبیلی در پاسخ به این سؤال، نظر به آنکه تعداد جراحی‌های زیبایی روز به روز در حال افزایش است و افراد بعضاً با پذیرش خطرات جانی چنین جراحی‌هایی به آن اقدام می‌کنند، فتوای حضرت عالی در خصوص انجام جراحی‌های زیبایی غیر ضروری که بعضاً با خطراتی نیز همراه است، چیست؟ ضرورت جراحی زیبایی چگونه تعیین می‌شود؟ بیان فرموده‌اند: «ضرورت جراحی زیبایی باید با نظر پزشک متخصص و متعهد معین شود و اگر از آن جراحی ضرر و یا خطر بزرگ و معتناهی متوجه شخص گردد، جایز نیست و در صورت غیر ضروری بودن در فرض مذکور به طریق اولی جایز نیست.» (شجاعپوریان، ۱۳۸۹ ش، ص ۱۶۸)

اما باید دانست که ضابطه کلی مشروعیت جراحی زیبایی که یک ضابطه عقلی و حرفه‌ای نیز به حساب می‌آید؛ عبارتست از این‌که جراحی زیبایی در صورتی مشروع است که خطر و ضرر و عوارض قابل توجهی در آن نباشد و این ضابطه‌ای است که در کلام فقها نیز به آن اشاره شده است، اما می‌توان حسب ضرورتی که از لحاظ روانی برای جراحی زیبایی وجود دارد (آن هم پس از رعایت موازین و تأیید متخصصان روانشناسی) تا حدی خطرات و عوارض ناشی از جراحی را به جان خرید، لیکن باز هم باید میان ضرورت انجام جراحی و خطرات و عوارض ناشی از آن تناسب وجود داشته باشد.) فقهای معاصر آن را در صورت عدم وجود خطر و ضرر جسمی جایز دانسته‌اند. (طالبی، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۷۱)

بنابراین جراح پلاستیک با در نظر گرفتن تمامی عوامل (جسمی و روحی) می‌بایستی بین منافع ناشی از جراحی و مضار آن یک تناسب برقرار نموده و هر جا که عقلاً و عرفاً احتمال خطر و ضرر تا حدی بود که نمی‌توانست توجیهی برای انجام جراحی روی متقاضی خاصی باشد، از تجویز و انجام عمل بپرهیزد. نتیجتاً موازنه خطرات ناشی از انجام جراحی و عواقب عدم انجام آن در ترازوی نفع و ضرر مشخص خواهد نمود که آیا یک فرد محتاج به انجام جراحی زیبایی است یا خیر؟ بنابراین با توجه به این قاعده، جراحان زیبایی نمی‌توانند عملی را که در آن خطرات و عوارض قابل توجهی وجود دارد، به انجام برسانند، چراکه منافی که قرار است از انجام جراحی حاصل شود، به هیچ‌وجه نمی‌تواند توجیه‌کننده مخاطرات آن باشد، البته در فرضی که جراحی ترمیمی صورت می‌گیرد و متقاضی انجام جراحی به واسطه اختلال بارز شکلی، دچار عسر و حرج گردیده است، می‌توان تا حدی مخاطرات ناشی از عمل را پذیرفت، اما در جایی که فردی با ظاهر طبیعی و برای رسیدن به زیبایی بیشتر به عمل جراحی روی می‌آورد نمی‌توان یک جراحی

پرخاطر را شروع نمود. بنابراین در چنین مواردی جراح، نه تنها به دلیل مشروع نبودن عمل خود، بلکه حتی به واسطه عدم رعایت موازین فنی و علمی، وفق بند ج از ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی، مسؤولیت کیفری داشته و حسب مورد به مجازات‌های مقرر محکوم خواهد گردید.

قاعده لاضرر: بر اساس قاعده لاضرر در فرض پذیرش مشروع بودن آن هر ضرری از ناحیه هر شخصی به شخص ثالثی وارد شود، باید جبران شود، از جمله ضرری که از ناحیه طبیب بر مریض وارد می‌شود، باید جبران گردد. قاعده لاضرر مبنای مسؤولیت مدنی پزشک به شمار می‌آید. همچنین اگر عمل جراحی زیبایی پزشک منجر به مرگ عمل‌شونده گردد، بر طبق قاعده «لایبطل دم امر مسلم؛ خون هیچ مسلمانی نباید هدر رود» هم مستلزم مسؤول دانستن طبیب است، زیرا عدم مسؤولیت او، هدررفتن خون مسلمان که در شرع ناصواب دانسته شده است را به همراه خواهد داشت. (عاملی، ۱۴۱۰ ق.، ص ۱۰۸)

۶-۱- عدم مالکیت انسان نسبت به اعضای بدنش: انسان مالک جسمش نیست، بلکه جسم و جان انسان، ملک خداوند متعال است و جوارح انسان تنها امانتی در دست او محسوب می‌شوند (بار، ۱۴۱۸ ق.، ص ۲۲۸؛ آقابابائی، ۱۳۸۶ ش.، ص ۱۶) و تمامی قواعد امانت اعم از عدم حق دخالت و دخل و تصرف در آن (مگر به اذن مالک) بر آن جاری می‌شود. پس در مورد جراحی زیبایی نیز که دخل و تصرفی است در این مورد امانت انسان به واسطه این که اذنی از سوی مالک حقیقی جسم داده نشده است، این عمل ممنوع و حرام است. برای نقدین استدلال باید گفت در باب ارتباط انسان به اعضای بدن خود سه نظریه عمده مطرح است که عبارتند از:

- رابطه مالکیت: در این نظریه انسان مالک اعضای خود محسوب می‌شود.

- رابطه از نوع سلطه و تصرف: در این نظریه انسان متصرف اعضای خود محسوب می‌شود.

- رابطه امانی: در این نظریه جسم و اعضای بدن انسان به مثابه امانتی الهی است و وظیفه انسان حفاظت از آن به عنوان امین است.

بدون تردید رابطه مالکیت مطلق انسان بر جسمش نمی‌تواند مورد پذیرش واقع شود، زیرا مالکیت انسان بر اموال نیز بی‌حد و مرز نیست و این قیود تا جایی پیش رفته که امروزه از بعد حقوقی به جای نهاد مالکیت عملاً حق تسلیط اجرا می‌شود، پس نسبت به انسان که مسأله با حساسیت بیشتری روبروست نمی‌توان قائل به مالکیت مطلق شد. علاوه بر این در زمان رواج قانون بردگی زمانی که انسان گاه از اشیا نیز بی‌ارزش‌تر تلقی می‌شد و مولی حق هرگونه استفاده و انتفاع از عبد را دارا بود، حق فروش اجزای بدن او را نداشته و از انجام این عمل منع شده بود. پذیرش رابطه امانت نیز با این مشکل روبروست که در صورت پذیرش آن، انسان‌ها صرفاً تبدیل به محافظانی برای روح و جسم خود می‌شوند و این امر مغایر با آزادی و اختیار انسان است. علاوه بر این ما مجاز به تصرف در اعضای بدن، در حدود شرعی آن هستیم، در حالی که امین حق تصرف (غیر از جهت حفاظت) را ندارد. نظریه سلطنت بر اعضای بدن بنا به دلایل فقهی چون کتاب، سنت و بنای عقلا به صلاح نزدیک‌تر است، زیرا که گستره اختیارات نامحدود انسان محصور در حدود الهی شده و انسان سلطنت مقیدی نسبت به اعضای بدن خویش می‌یابد که از آن به حق تصرف تعبیر می‌شود. بدین ترتیب انسان در مواردی که شرع اجازه داده قادر به تصرف در اعضای بدن خویش است و ممنوعیت تصرف نیز شامل مواردی چون در معرض هلاکت قراردادن خود، ایراد جراحات شدید و مواردی که عقلاً ضرورتی بر انجام آن‌ها مترتب نیست، می‌شود. (موسوی بجنوردی و همکاران،

۱۳۸۶ ش.) بنابراین عدم مالکیت انسان نسبت به اعضای بدن با عدم جواز تصرف عقلانی ملازمه‌ای ندارد.

۷-۱- ارتکاب محظورات: این قسم از جراحی‌ها انجام نمی‌شوند، مگر به واسطه ارتکاب پاره‌ای از محظورات که از جمله این محظورات بیهوشی است و از دیگر صور این محظورات انجام جراحی زنان توسط مردان است که خود دربردارنده اموری چون لمس، نظر و خلوت با نامحرم است که این دسته از اعمال حرام می‌باشند. این استدلال مخدوش است، زیرا بحث ما حرمت اصل جراحی است نه مقدمات، لوازم و تبعات آنچه این‌که همان‌گونه که اشاره خواهد شد، موافقان نیز به طور مطلق قائل به اباحه اعمال جراحی زیبایی نیستند، بلکه غالباً انجام آن را در صورتی صحیح دانسته‌اند که مستلزم کار حرامی نباشد و به طور خاص - در ادله شرعی - از آن نهی نشده باشد. برای مثال آیت... مکارم شیرازی در پاسخ به سؤالی، عمل جراحی زیبایی را در صورتی که آمیخته با حرام دیگری نباشد، جایز دانسته و چنانچه مستلزم حرامی باشد (مانند نظر و لمس حرام) تنها در صورت ضرورت مجاز دانسته‌اند. (علیان‌نژادی دامغانی، ۱۳۸۷ ش.، ص ۴۳) همچنین آیت... خامنه‌ای در پاسخ به این سؤال که اگر عمل جراحی زیبایی برای زنان مستلزم نگاه و لمس نامحرم باشد، جایز است یا خیر، نوشته‌اند: «عمل جراحی زیبایی، درمان بیماری محسوب نمی‌شود و نگاه کردن و لمس حرام به خاطر آن جایز نیست، مگر در مواردی که برای درمان سوختگی و مانند آن باشد و پزشک مجبور به لمس و نگاه کردن باشد.» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸ ش.، ص ۳۱۱)

۲- ادله نظریه مشروعیت جراحی زیبایی

به نظر می‌رسد که اکثریت فقهای شیعه در این گروه قرار گرفته و قائل به صحت اعمال جراحی پلاستیک اعم از ترمیمی و زیبایی هستند، البته نکته مهمی

که در اینجا حائز اهمیت است این که به طور کلی فقهایی که در گروه موافقان جراحی زیبایی قرار می‌گیرند، مبنای فتوایشان بر اینست که عملیات زیباسازی فی حد نفسه حرمتی ندارد و نه تنها موجبات تغییر در خلقت خدا را فراهم نمی‌آورد، بلکه امری مباح (و حتی در برخی موارد مستحب) می‌باشد، لیکن همان گونه که اشاره شد موافقان نیز به طور مطلق قائل به اباحه این گونه اعمال نیستند، بلکه غالباً انجام آن را در صورتی صحیح دانسته‌اند که ضرر معتدبهی نداشته^{۱۰} و مستلزم کار حرامی نباشد. در این رابطه یکی از فقها می‌نویسد: «عمل جراحی زیبایی حرام نیست و ارتودنسی (مرتب و ثابت کردن دندان) و امثال آن از شاخه‌های این اعمال است که به عنوان دفع ضرر محسوب نمی‌شود. پس انسان می‌تواند برای خودش این کار را انجام دهد و پزشک هم با درخواست افراد مجاز به انجام این اعمال می‌باشد. البته لازم است قضیه مثله کردن و تغییر جنسیت و احکام نگاه کردن و لمس کردن لحاظ گردد، لکن صرف نظر از موارد فوق، اصل عمل زیبایی حلال است و دریافت اجرت برای آن جایز است.» (فضل الله، ۲۰۰۲ م، ص ۱۶۹؛ حسینی، ۲۰۰۸ م، ص ۹۴)

ادله نظریه مشروعیت جراحی زیبایی به شرح ذیل می‌باشد:

۱-۲- **اطلاقات آیات:** قرآن کریم در آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف می‌فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ مِمَّا كَلَّمْنَاكُمْ عَلَيْهَا إِذْ كُنْتُمْ رِجَالًا وَكُلُوا وَشَرُّوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي رَجَعَهَا إِلَى الطَّيِّبَاتِ بِنَافِعِ الرِّزْقِ قُلْ لِي كَلِمَاتٍ آمَنُؤُا فَلَاحِيَةَ الدُّنْيَا لِمَا يَمْوَلِّكُمْ يَوْمَ الْفِتْنَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ؛ ای فرزندان آدم! [هنگام هر نماز و] در هر مسجدی، آرایش و زینت [مادی و معنوی خود را متناسب با آن عمل و مکان] همراه خود بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، زیرا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد. بگو: زینت‌های خدا و روزی‌های پاکیزه‌ای را که

برای بندگانش پدید آورد، چه کسی حرام کرده؟ بگو: این آزینتها و روزی‌های پاکیزه] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند [البته اگرچه غیر مؤمنان هم با آنان در بهره‌وری شریکند، ولی] در قیامت فقط ویژه مؤمنان است؛ ما این‌گونه آیات خود را برای گروهی که اهل دانش و بصیرت‌اند بیان می‌کنیم.» آیات مذکور از چنان اطلاقی برخوردارند که اباحه افعال و اعمالی که به زیبایی و زینت انسان می‌انجامد دلالت دارند.

۲-۲-روایات: در احادیث به زیبایی ظاهری و مادی هم اهمیت داده شده که از راه‌های مادی به دست می‌آید. از منظر روایات، در زیبایی مادی چهره عوامل مختلفی مؤثر است. در زیر به برخی از روایاتی که در باب استحباب زیبایی و آراستن خویش در کتب شیعه وارد شده، اشاره می‌شود:

محمد بن یعقوب کلینی در کتاب کافی از امام علی (ع) نقل می‌کند «خداوند زیباست و زیبایی را دوست می‌دارد.» (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۴۳۸)

و نیز در خبری از امام علی (ع) که ایشان فرمودند: «می‌بایستی هر یک از شما برای برادر مسلمان خویش آن‌گونه زینت نماید که برای شخصی غریب که دوست دارد او را در بهترین شکل ببیند.» (کلینی، ۱۳۹۱ ق، صص ۴۴۰-۴۳۹) و در احوال پیامبر آمده است که «برای اصحابش خویشان را می‌آراست بیش از آنچه که خود را برای خانواده‌اش می‌آراست.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۱)

حضرت رسول اکرم (ص) درباره رنگ کردن مو فرموده‌اند: «خضاب کنید که بر جوانی و زیبایی شما می‌افزاید.» (کلینی، ۱۳۹۱ ق، ص ۴۳۸)

از علی بن جعفر نقل شده که ایشان از برادرش موسی بن جعفر (ع) در مورد زنی پرسیدند که از صورت خود مو بردارد؛ امام فرمود: «مانعی ندارد.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۳۳)

از سعد اسکاف از امام باقر (ع) نقل شده که از ایشان در مورد مویی که زنان درست می‌کنند و روی سرهایشان قرار می‌دهند و با آن موهای خود را می‌بندند سؤال شد، فرمود: «اشکالی ندارد که زن برای همسرش خود را بیاراید.» گفت: گفتم به ما خبر رسیده که رسول خدا زن واصله و موصله را لعنت کرده، فرمود: «نه چنین نیست. رسول خدا (ص) واصله و موصله‌ای را لعنت کرده که در جوانی زنا کرده و چون پا به سن گذارد واسطه‌ای بین زنان و مردان می‌شود و این معنای واصله و موصله است.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق.، صص ۱۸۸-۱۸۷) ابی‌بصیر از امام باقر (ع) نقل کرده: از ایشان در مورد موضوع موی جلوی سر پرسیدم که زن بخواهد برای همسرش خود را بیاراید و نیز در مورد موبرداشتن و استفاده از موی مصنوعی و مانند این‌ها، فرمود: «هیچ یک از این موارد اشکال ندارد.» (حر عاملی، ۱۴۱۴ ق.، ص ۱۸۹)

با امعان نظر در روایات مذکور درمی‌یابیم که مدلول برخی از آن‌ها حلیت تجمیل و زیباسازی و مدلول بعضی استحباب آن است.

۳-۲- اصل اباحه: برای ورود به بحث اباحه می‌توان موضوع را با طرح این سؤال آغاز نمود که اصل اولی در تصرفات و اعمال انسان اباحه است یا حرمت؟ پاسخ این سؤال تا حد زیادی اذهان را جهت دستیابی به رویکردی مناسب در خصوص موضوع این نوشتار کمک می‌کند.

اصل اباحه به این معنا است که اصل اولی در اشیا و موضوعات قبل از ورود و مداخله شرع، اباحه واقعی است. بنابراین هرگاه بر حلال یا حرام بودن یک چیز، دلیلی وجود نداشته باشد، اصل بر مباح بودن آن است و بر عدم حرمت آن حکم می‌شود. در فقه شیعه حکم را به دو دسته اولی و ثانوی تقسیم کرده‌اند. برای هر چیزی که به حسب حکم اولی دلیلی بر منعش نباشد، حکم به جواز می‌کنند. حال

اگر بعدها یک عنوان عرضی بر آن مترتب شد، حرمتش مطرح می‌شود، اما به عنوان ثانوی، البته در مواردی که حکم واقعی قابل تشخیص نیست، ابتدائاً نمی‌توانیم بگوییم اصل اولی در هر چیزی اباحه است، بلکه بعد از فحص و جستجوی حکم واقعی اگر در نهایت شک کردیم. آن‌گاه سراغ اباحه می‌رویم و البته اباحه ظاهری که قابل جمع با حرمت ثانوی است. در یک بیان خیلی ساده خیلی از موضوعات به عنوان اولی مشمول حرمت نمی‌گردند، اما گاهی تالی فاسدی بر آن عارض می‌شود که ناچار می‌باید برای آن‌ها حکم دیگری صادر شود، یعنی همان حرمت ثانوی. (فاضل، ۱۳۸۵، ش. ص ۷۱)

به طور کلی پرورش‌یافتگان مکتب فقه اصولی شیعه، همواره اصاله اباحه جاری کرده و برای حرمت به دنبال دلیل و مدرک می‌باشند. بنابراین اصل در جراحی زیبایی اباحه است و برای حرمت آن نیازمند به دلیل هستیم.

۴-۲- استناد به عرف: امروزه انجام جراحی‌های پلاستیک با شیوه‌های متنوع و مدرن به یک امر متداول در عرف جوامع بشری تبدیل شده است، تا حدی که اگر زمانی تنها افراد سرشناس و متمکن بدان دست می‌زدند، در حال حاضر اقبال متوسط جوامع مختلف که بیشترین تعداد افراد را تشکیل می‌دهند، نیز به دلایل و بهانه‌های مختلف بدن خود را به تیغ جراح می‌سپارند. (کلهرنیا و همکاران، ۱۳۹۱، ش. ص ۵۴)

ممکن است برای تأیید اخلاقی بودن جراحی‌های زیبایی نیز به مانند سایر اعمال پزشکی به پذیرش عرفی در مورد آن استناد شود، اما مشکلی که در اینجا وجود دارد این است که انجام کاری در عرف انسان‌ها، دلیل بر صحت و اعتبار آن در نزد شارع نیست، بلکه می‌تواند در کنار سایر دلایل جهت تحکیم ادله به کار رود، لذا علی‌رغم انجام رواج جراحی زیبایی در عرف، باز هم با نظریاتی (خاصه در

میان علمای اهل سنت) مواجه هستیم که قائل به حرمت اعمال جراحی زیبایی شده‌اند. (شنقیطی، ۱۴۱۵ ش.، ص ۱۹۳)

۲-۵- دلیل روانشناختی: با پیشرفت علم روانشناسی و انجام تحقیقات و پژوهش‌های فراوان در حیطه تأثیر جراحی‌های پلاستیک بر رفع آلام روحی و بهبود سلامت روان، به طور کلی نقش مثبتی برای این قسم از جراحی‌ها اثبات گردیده است. این نظر در رویه قضایی نیز رخنه کرده و به نظر برخی «جراحی پلاستیک که به طور طبیعی وارد دنیای درمان پزشکی شده را نبایستی به عنوان جراحی زیبایی (صرف) یا هوس مطلق کسی که به جراحی تن در می‌دهد، نگریست. یک بیمار به ندرت به طور سرسری یا بدون ضرورت واقعی، حداقل روانی به جراحی زیبایی روی می‌آورد. برای او راه حل نقص فیزیکی از اهمیت زیادی در حوزه روانی برخوردار است.» (دانتس، بی‌تا، ص ۵)

بدین ترتیب بسیاری از افراد از روش‌های مختلف جراحی برای ارتقای وضعیت جسمی و به دنبال آن بهبود وضعیت روانی کمک می‌گیرند. (سلیمانی، ۱۳۸۰ ش.، ص ۵۷) نقش ظاهر افراد در سلامت روان (کاهش اضطراب، استرس و افسردگی) و افزایش حس اعتماد به نفس، شادی و تقویت روحیه مورد استناد موافقان انجام عمل جراحی زیبایی قرار گرفته است، لیکن این منافع روانی در همه افراد امر ثابتی نیست و چه بسا فردی با اختلالات روانی برای انجام جراحی‌های زیبایی رجوع نماید که آن اعمال نه تنها بر او سودمند نباشد، بلکه تنها مشکلات او را بیشتر کند. (اکبری، ۸۵-۱۳۸۴ ش.، ص ۶۴)

۲-۶- دلیل جامعه‌شناختی: زیبایی در ارزش اجتماعی انسان معتبر بوده و از آن به عنوان موهبتی خدادادی یاد می‌گردد. (حسینی، ۲۰۰۸ م.، ص ۱۱) بعد اجتماعی زیبایی بر هیچ کس پوشیده نیست، به سبب این‌که مظهر خارجی انسان

- از حیث تناسب اعضا، جوارح و اندام - نتیجتاً موجب جذابیت و مورد توجه قرار گرفتن فرد در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی می‌شود که این خود می‌تواند آثار مستقیم و غیر مستقیم داشته باشد. از جمله این آثار می‌توان به شانس موفقیت شغلی (خاصه در مشاغلی که عامل زیبایی و جذابیت از اهمیت برخوردار است)، افزایش احترام اجتماعی، کامیابی بیشتر در ارتباطات دوستانه و نیز شانس بالای ازدواج با فرد دلخواه و حتی شرکت موفق در انتخابات و... را نام برد. در مواردی جراحان نیز در مقام دفاع و تبیین ضرورت جراحی زیبایی، «به اهمیت اجتماعی عامل زیبایی در جدال بی‌رحمانه برای بقا در عصر حاضر، خصوصاً برای خانم‌ها استناد نموده‌اند.» (کومیسکی، ۲۰۰۴ م، صص ۵۴-۳۰)

هرچند در پاسخ می‌توان گفت: این ضرورت‌های اجتماعی (همچون ضرورت‌های روانی) تا حدی ناشی از نگاه افراطی بشر قرن ۲۱ است که نگاهی مادی‌گرایانه بوده و ظواهر و تجملات را بسیار مورد توجه خویش قرار می‌دهد، لذا بعضی آن را به باد انتقاد گرفته‌اند و این دلایل را برای قبول مشروعیت عمل جراحی مورد پذیرش قرار نداده‌اند. گاه بشر با دوری از معنویت و اخلاق حقیقی، خویش را در گردابی می‌یابد که در آن ممکن است خیلی از مسائل ضروری بنمایند، لذا روند زندگی جوامع بشری و عرف غالب آمیخته با تمنیات نفسانی اموری را ضروری نموده که ممکن بود اگر جامعه در یک سلامت روانی و بر اساس معیارهای والای انسانی رشد می‌نمود نیازی بدان امور نبود.

نتیجه‌گیری

۱- جراحی زیبایی به دو دسته مجزا قابل تقسیم است: جراحی زیبایی ترمیمی و جراحی زیبایی محض. همچنین می‌توان با بذل توجه به نظریات فقهای متقدم، قسم اول را نیز به دو دسته جراحی کارکردی و جراحی شکلی تقسیم نمود. در واقع جراحی زیبایی گاه با هدف بیولوژیک و جهت بازگرداندن کارکرد عضوی صورت می‌پذیرد و وصف زیبایی به تبع آن حاصل می‌گردد، مثل جراحی‌های مرتبط با زخم‌های عفونی یا جراحی بینی دارای انحراف که موجب اختلال تنفسی گردیده است. گاه غرض از جراحی، صرفاً زیباسازی عضو غیر طبیعی مورد نظر است که این مورد اخیر نیز می‌تواند ناشی از اختلالات مادرزادی پیش از تولد یا حوادث و سوانح پس از تولد باشد، مثل جراحی کوچک‌کردن بینی یا فکی که به طور مادرزادی یا به واسطه ضربه یا بیماری دچار انحراف و نازیبایی شده است.

۲- اکثریت فقهای جراحی زیبایی را چه به واسطه اصلاح نقص در کارکرد عضو و چه به خاطر اصلاح شکل آن مجاز و صحیح دانسته‌اند.

۳- جراحی زیبایی محض که مورد چالش و اختلاف فقهای معاصر می‌باشد، فقهای اهل سنت با استناد به آیات ۱۱۹ سوره نساء و ۱۳۸ سوره بقره و روایات منقول از پیامبر و با دلایلی چون منع تغییر در خلقت الهی، گرفتارآمدن در فساد و امیال شهوانی و غافل‌شدن از مقام حقیقی انسانی و ضمن رد ادله مدعایی روانشناختی و جامعه‌شناختی، قائل به تحریم این قسم عملیات زیبایی گردیده‌اند. از طرف دیگر اکثریت فقهای شیعه با استناد به اباحه زیباسازی صورت و بدن و فارغ از ضرورت‌های روحی و روانی، انجام جراحی پلاستیک را در تمامی اقسام آن امری مجاز دانسته‌اند، لیکن ایشان نیز به طور مطلق قائل به اباحه این‌گونه اعمال نیستند، بلکه غالباً آن را در صورتی صحیح برشمرده‌اند که ضرر معتدبهی

نداشته و مستلزم کار حرامی نباشد و به طور خاص - در ادله شرعی - از آن نهی نشده باشد. در حقیقت تجویز جراحی زیبایی در نزد فقهای شیعه نه از باب قبول ضرورت روانی و اجتماعی ناشی از آن، بلکه به واسطه اباحه نفس عمل زیبایی است. بر همین مبنا در استفتائات به عمل آمده، از جراحی زیبایی محض که توأم با خطر یا ضرر شدید باشد، یا مستلزم لمس یا نگاه حرام باشد به واسطه غیر درمانی بودن آن منع شده است.

۴- جراحی زیبایی در صورت شرایط ذیل امری مجاز و مباح می‌باشد:

- توأم با خطر شدید و عوارض جدی نباشد؛

- میان جراحی و خطرات و عوارض آن تناسب برقرار باشد لذا اگر عضو انسان از حیث کارکردی دچار اختلال باشد انجام جراحی با خطر بیشتر قابل پذیرش خواهد بود. همین ارتباط نسبت به نقص شکل و میزان و درجه این نقص وجود خواهد داشت؛ تا آنجا که در جراحی زیبای محض کمترین میزان احتمال ضرر و خطر قابل قبول خواهد بود؛

- نیت از انجام جراحی باید نیل به نعمت آراستگی معقول ظاهری باشد نه بروز و ارتکاب آفت های اخلاقی، رفتاری و اجتماعی همچون حسد، تفاخر، خود عرضگی و تحریک اغیار، تدلیس و فریب، تسهیل جرم و اختفاء هویت،...

- اقدام به جراحی زیبایی به واقع مصداقی از زیباسازی عقلانی در امتداد حیات با کرامت انسانی باشد نه به واسطه تبعیت از مدها و عادات غیر معقول و غیر اخلاقی رایج در جهان امروز که نتیجه پذیرش القائنات شیطانی در دنباله‌روان هواهای نفسانی است، لذا تغییری که داخل در زیبایی باشد را نمی‌توان وسوسه شیطان دانست، بلکه انجام اعمالی غیر طبیعی و مضر چون خالکوبی یا داغ‌نهادن و... که زیبایی آن مورد تردید عقلا و علمای زیبایی شناختی است، جایز نمی‌باشند.

۵- اصولاً باید در جریان تعارض میان نیاز روحی به انجام جراحی زیبایی محض و تعدی به احکام دینی، محذورات شرعی را مقدم داشت. از جمله این محذورات می‌توان به مسائلی چون منع کشف عورت، حرمت نگاه و لمس نامحرم، حرمت اضرار به نفس و بی‌احترامی به جسم آدمی و مصادیق خاصی که در آموزه‌های شریعت از آن‌ها نهی شده است، اشاره نمود.

پی‌نوشت‌ها

1. Plastic surgery
2. Plasty
3. Reconstructive
4. Cosmetic

۵. ماده ۳ قانون آیین دادرسی مدنی

۶. محمد بن جریر طبری، متوفای ۳۱۰ ق.

۷. موهای کوچک بین لب پایین و چانه.

۸. در مورد ترجمه معانی روایات منقول از اهل تسنن از این منبع بهره جستیم: محمودیان، مصطفی. (۱۳۸۵ ش.). *آرایش و پیرایش در اسلام*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، الهیات و معارف اسلامی، فقه شافعی دانشگاه تهران.

۹. خبر منقول از معاون پشتیبانی سازمان نظام پزشکی، منتشرشده در جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۹۰، ارائه الکترونیکی در: <http://www.khabaronline.ir/news-143545.aspx>.

۱۰. برای نمونه آیتا... موسوی اردبیلی در پاسخ به این سوال، نظر به آنکه تعداد جراحی‌های زیبایی روز به روز در حال افزایش است و افراد بعضاً با پذیرش خطرات جانی چنین جراحی‌هایی به آن اقدام می‌کنند، حکم شرعی حضرت عالی در خصوص انجام جراحی‌های زیبایی غیر ضروری که بعضاً با خطراتی نیز همراه است، چیست؟ ضرورت جراحی زیبایی چگونه تعیین می‌شود؟ بیان فرموده‌اند: «ضرورت جراحی زیبایی باید با نظر پزشک متخصص و متعهد معین شود و اگر از آن جراحی ضرر و یا خطر بزرگ و معتناهی متوجه شخص گردد، جایز نیست و در صورت غیر ضروری بودن در فرض مذکور به طریق اولی جایز نیست.» (متن سؤال ایسنا و پاسخ آیات عظام، نقل از شجاعپوریان، ۱۳۸۹ ش.، زیرنویس ۱۶۸)

فهرست منابع

منابع فارسی:

احدوت، یعقوب. (۱۳۵۵ ش.). *فرهنگ پزشکی*. تهران: انتشارات امیرکبیر، یک جلدی، چاپ اول.

اکبری برچلوبی، زهرا. (۱۳۸۵ ش.). *بررسی سلامت روان در متقاضیان عمل جراحی زیبایی بینی به درمانگاه گوش حلق بینی بیمارستان رسول اکرم (ص)*. پایان‌نامه جهت دریافت درجه دکترای پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی ایران.

اولسن، مریل. (۱۳۸۸ ش.). *جراحی زیبایی*. مترجم شهروز فرهنگ، تهران: انتشارات کلید آموزش، چاپ اول.

آقابائی، اسماعیل. (۱۳۸۶ ش.). *پیوند اعضا از بیماران فوت‌شده و مرگ مغزی*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

جعفری‌تبار، حسن. (۱۳۷۷ ش.). *از آستین طبیبان: قوی در مسؤلیت مدنی پزشکان*. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره چهل و یکم.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸ ش.). *رساله اجوبه الاستغاثات*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی، چاپ پانزدهم.

سلیمانی، فاطمه. (۱۳۸۰ ش.). *تأثیر عمل جراحی زیبایی بر سلامت روان و عزت نفس*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد واحد خوراسگان.

شجاع‌پوریان، سیاوش. (۱۳۸۹ ش.). *مسؤولیت قراردادی پزشک در برابر بیمار*. تهران: انتشارات فردوسی، چاپ اول.

شکرمرجی، ایوب. عباسی، محمود. (۱۳۸۷ ش.). *مسؤولیت مدنی ناشی از جراحی زیبایی*. فصلنامه حقوق پزشکی. سال دوم، شماره چهارم.

طالبی رستمی، محبوبه. عباسی، محمود. (۱۳۹۴ ش.). *جراحی زیبایی و شرایط معافیت پزشک از مسؤلیت کیفری*. فصلنامه حقوق پزشکی. سال نهم، شماره سی و چهارم.

عامری، محمدحسن. (۱۳۸۹ ش.). *مصاحبه با متخصص گوش، حلق و بینی و جراحی سر و گردن*. پیام سلامتی. سال سوم، شماره بیست و یکم.

علیان‌نژادی دامغانی، ابوالقاسم. (۱۳۸۷ ش.). *احکام پزشکی؛ مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی*. قم: انتشارات امام علی ابن ابیطالب (ع)، چاپ دوم.

فاضل، محمد جواد. (۱۳۸۵ ش.). *زوایای پیدا و پنهان شبیه‌سازی*. میزگردی در گفتگو با اندیشه‌وران حوزه، کاوشی نو در فقه اسلامی.

کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۷ ش.). الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت مدنی. تهران: مؤسسه انتشارات، جلد اول، چاپ هشتم.

محقق داماد، سیدمصطفی. (۱۳۸۹ ش.). فقه پزشکی. تهران: انتشارات حقوقی، چاپ اول.

موسوی بجنوردی، سیدمحمد. کاظمی افشار، هاجر. (۱۳۸۷ ش.). معامله اعضای بدن در حقوق ایران با رویکردی به نظرات امام خمینی. پژوهشگاه متین. شماره سی و هشتم.

منابع عربی:

قرآن مجید.

بار، محمدعلی. (۱۴۱۸ ق.). الطیب فقهه و ادبه. بیروت: دارالشامه.

بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۳۱۱ ق.). صحیح بخاری. بولاق: المطبعة الأميرية، جلد هفتم. ارائه الکترونیکی در: <http://www.waqfeya.com/book>

حر عاملی، محمد بن الحسن. (۱۴۱۴ ق.). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. محقق و ناشر: قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام.

حسینی، محمد. (۲۰۰۸ م.). عملیات التّجمل الجراحیه و مشروعیتها الجزائیة بین الشریعة و القانون. بیروت: مرکز ابن‌ادریس حلی للدراسات الفقهیه البخاری، جلد هفتم، الطبعة الأولى.

سجستانی، آبی داود سلیمان بن الاشعث. (بی‌تا). سنن أبی داود. اردن: بیت الأفكار الدولية.

طباطبائی، محمدحسین. (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: منشورات جماعه المدرسین فی الحوزة العلمية.

عاملی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۰ ق.). الروضة البهیه فی شرح اللمعه. قم: انتشارات داوری، چاپ اول.

قشیری، مسلم بن حجاج. (۱۴۲۷ ق.). صحیح مسلم. محقق نظر بن محمد الفاریابی أبوقتیبة، ناشر: دارالطیبة، جلد دوم.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب. (۱۳۹۱ ق.). الفروع من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ششم.

محامی، حسام‌الدین الأحمد. (۲۰۱۱ م). *المسؤولية الطبية في الجراحة التجميلية*. بيروت: منشورات الحلبي الحقوقية، الطبعة الأولى.

منابع لاتین:

Comiskey, C. (2004). Cosmetic Surgery in Paris in 1926: The Case of the Amputated Leg. *Journal of Women's History*. 3(16): 30-54.

Dantas, E. (2011). *La Responsabilite Civile Du Chirurgien Plastique: La Chirurgie Plastique Comme Obligation De Moyen*. Available at: www.eduardodantas.adv.br. Visited 15 February 2011.

http://en.wikipedia.org/wiki/Plastic_surgery#History. Visited: 21 April 2011.

http://muse.jhu.edu/login?uri=/journals/journal_of_womens_history/v016/16.3comiskey.pdf. Visited: 21 April 2011.

Scott B. (2010). Grant, Virtual Mentor. *American Medical Association Journal of Ethics*. 12(5): 359-362.

یادداشت شناسه مؤلفان

سیدابوالقاسم نقیبی: دانشیار دانشگاه شهید مطهری، تهران، ایران.

پست الکترونیک: naghibi_sa@yahoo.com

میثم کلهرنیا گلکار: کارشناس ارشد حقوق خصوصی و پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، تهران، ایران.

سیدمحمدعلی صدر طباطبایی: دانشجوی دوره کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی مدرسه عالی شهید مطهری (ره)، تهران، ایران. (نویسنده مسؤل)

Semantic analysis and documentation of cosmetic surgery sentence*Seyyed Abolghasem Naghibi**Meissam Golkar Kalhorna**Seyyed Mohammad Ali Sadr Tabatabai***Abstract**

One aspect of the human being to beauty trends is therefore an important part of human life constitutes beauty. the balance of the body structure and more beautiful. leads to deception and misrepresentation of risk and loss, lack of human ownership of the members of his body, committing dilemma to have evidence of the sanctity of cosmetic surgery and the many scholars believe to have cosmetic surgery to their legitimacy to prove his theory refers verses, hadiths safeguards glamor and luxury, the permissibility, customs, psychological and sociological reasons that are cited have made cosmetic surgery with high risk of serious complications is not as good and reasonable appearance adornment, lead researcher and to improve quality of life is not a result of the ban on Islamic face.

Keywords

Cosmetic Surgery, Reconstructive Surgery, Cosmetic Surgery Soon, Legitimacy Theory, The Theory of Respect